



سه شنبه بیست و یکم مهر ۱۳۸۸ - سیزدهم اکتبر ۲۰۰۹

### دادستان تهران: پرونده ای در داسرای ویژه روحانیت درمورد ادعاهای کروی تشکیل شده است



دادستان عمومی و انقلاب تهران از تشکیل پرونده ای در داسرای ویژه روحانیت در خصوص ادعاهای مهدی کروی خبر داد و گفت: افرادی نیز تاکنون در این پرونده احضار شده اند. به نقل از ایرنا، "عباس جعفری دولت آبادی" در حاشیه مراسم تودیع و معارفه سرپرست داسرای ناحیه یک تهران در پاسخ به سوال خبرنگاران در مورد ادعای "مهدی کروی" گفت: آقای کروی یک روحانی است و اظهاراتش باید در داسرای ویژه روحانیت رسیدگی شود.

وی ادامه داد: کمیته ویژه سه نفره قوه قضاییه پرونده ای را در این زمینه به دادستانی ارجاع کرده که در دست رسیدگی است. جعفری دولت آبادی افزود: افرادی نیز در این پرونده احضار شده اند و به محض اینکه اطلاعات دقیقتری کسب شود، به اطلاع مردم خواهیم رساند.

### دادستان کل کشور از برخورد " به موقع " با موسوی و کروی خبر داد



غلامحسین محسنی اژه ای، دادستان کل کشور در گفتگو با کیهان قول داد که به موقع میرحسین موسوی و مهدی کروی را دادگاهی کند.

وزیر سابق اطلاعات به کیهان گفت: موضوع رسیدگی به اتهامات آقای کروی بر عهده دادگاه ویژه روحانیت است و باید آنها اقدام کنند و مطمئن باشید اقدام می شود.

وی همچنین در ادامه افزود: دستگاه قضایی در مورد فتنه پس از انتخابات برابر قانون عمل خواهد کرد و به موقع با کسانی که در این آشوب ها نقش داشتند برخورد خواهد شد.

محسنی اژه ای همچنین در پاسخ به این سؤال کیهان که "امام حفظ نظام را از اوجب واجبات می دانستند و رهبری نیز مکرر بر حق دفاع از اصل نظام تاکید فرمودند، چرا دستگاه قضایی در برخورد با تهمت های آقای کروی ممانعت می کند؟ آیا فشارها از جمله فشارهای بین المللی و خارجی سبب شده که دستگاه قضایی در خصوص برخورد با آقایان موسوی و کروی کوتاه بیاید"، گفت: نه این طور نیست و خود شما می دانید که دستگاه قضایی تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار نمی گیرد و به موقع کار خود را انجام می دهد.

### پرتاب گاز اشک آور به تجمع مسالمت آمیز دانشجویان دانشگاه آزاد



بسیج با پرتاب گاز اشک آور به صحن دانشکده فنی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، به مقابله با تجمع مسالمت آمیز بیش از دوهزار نفر از دانشجویان این دانشگاه پرداخته اند.

درحالی که از ظهر امروز بیش از دوهزار نفر از دانشجویان واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد، همچون هفته های گذشته، در اعتراض به دولت کودتا و نیز برخوردهای صورت گرفته ای اخیر با فعالان دانشجویی این دانشگاه و سایر دانشگاه های کشور، دست به تجمع اعتراضی زده اند، حدود صد نفر از نیروهای مجهز بسیجی که از صبح امروز به وسیله دو دستگاه اتوبوس به این دانشگاه آورده شده بودند، با پرتاب گاز اشک آور و حمله به دانشجویان، این تجمع مسالمت آمیز را به درگیری کشاندند.

بنا بر همین گزارش، هم اکنون یکی از دانشجویان، توسط نیروهای بسیجی دستگیر و در دفتر نهاد نمایندگی رهبری در این دانشگاه، زندانی شده است. دانشجویان همچنان در صحن دانشگاه و طبقات آن حضور دارند شعارهایی چون "مرگ بر دیکتاتور"، "دولت کودتا، استعفا استعفا"، "پاحسین میرحسین"، "نصر من الله و فتح قریب" و ... فضای دانشگاه را پر کرده است.

### گزارش کامل امیرکبیر از سومین تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه آزاد: دانشجویان یک پارچه علیه دولت کودتا



سومین تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز توسط نیروهای امنیتی و بسیج به خشونت کشیده شد. به نقل از خبرنگار امیرکبیر، در این تجمع خودجوش که از ظهر امروز آغاز شد بیش از ۱۰ نفر از دانشجویان توسط نیروهای شبه نظامی در داخل دانشگاه زخمی شدند.

این تجمع سومین تجمع متوالی دانشجویان دانشگاه آزاد در اعتراض به کودتایان است. پیش از این در دو هفته پیش نیز تجمعات اعتراضی مشابهی در این دانشگاه و در سالروز تولد دو کاندیدای معترض به نتایج انتخابات آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروی برگزار شد.

در این گزارش آمده است: این تجمع در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز در حالی صورت گرفت که از صبح امروز به طور محسوسی بر تعداد عوامل انتظامات و حراست دانشکده فنی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز افزوده شده بود و حتی رفت و آمد نیروهای امنیتی خارج از دانشگاه نیز به چشم می خورد. نیروهای بسیجی نیز توسط دو دستگاه اتوبوس با هماهنگی کامل حراست برای سرکوب دانشجویان از دانشگاه های دیگر به این واحد دانشگاه آزاد انتقال داده شده بودند. همزمان نیروهای حراست به شدت ورود و خروج دانشجویان را مد نظر داشتند و اقدام به کنترل کارت دانشجویی می نمودند و از ورود برخی از دانشجویان نیز ممانعت به عمل آوردند ولی در مقابل نیروی های بسیج آزادانه رفت و آمد می نمودند به نحویکه این اقدام اعتراض دانشجویان را برانگیخت.

این گزارش می افزاید: با پایان یافتن کلاس هاس نوبت صبح و در حدود ساعت ۱۲ در حالی که دانشجویان سکوت کرده بودند، نیروهای بسیج منتقل شده از دیگر دانشگاه ها و نهادها اقدام به سر دادن شعار "مرگ بر منافق" و تنش آفرینی کردند.

در مقابل دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز با شعارهایی همچون «دانشجوی، سهمیه همینه همینه»، «بسیجی حیا کن، دانشگاه رو رها کن»، «بسیجی برو بیرون»، «بسیجی واقعی همت بود و باکری» سر دادند.

در ادامه این گزارش آمده است: دانشجویان تجمع را با سر دادن شعار های «موسوی زنده باد، کروی پاینده باد»، «روحانی واقعی منتظری، صناعی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «دولت کودتا استعفا استعفا»، «احمدی عمر و عاص، شصت و سه درصد اینجاس» و خواندن سرودهای «یار دبستانی» و «محمود قاتل» ادامه دادند. به گزارش خبرنگار امیرکبیر در ادامه بسیجیان نیز پرچم ایران را به احتزاز در می آوردند که با شعار «موسوی موسوی، پرچم ایران مرا پس بگیر» از سوی دانشجویان مواجه شدند.

این تجمع که گسترده ترین اعتراض دانشجویان از ابتدای سال تحصیلی تا کنون بوده است علی رغم جو امنیتی و رعب و وحشتی که نیروهای امنیتی

خارج دانشگاهی و عوامل حراست و انتظامات ایجاد کرده بودند با استقبال پر شور دانشجویان مواجه شد.

در ادامه، گفتنی است بسیج دانشگاه آزاد که پیش از این و در ایام تبلیغات انتخابات سابقه ضرب و شتم و مجروح نمودن دانشجویان را داشته است به نحوی که در آن موقع چهار تن از ایشان در بیمارستان بستری شدند پیش از این به تهدید دانشجویان پرداخته بود و برای مقابله با این حرکت خودجوش دانشجویان با دستاویز قرار دادن ارزش های دینی و مذهبی و به بهانه شهادت امام ششم شیعیان اقدام به برپایی مراسم همزمانی در در نمازخانه دانشکده فنی نموده بود.

این گزارش می افزاید: امروز نیز نیروهای بسیج با استفاده از گاز اشک آور و گاز فلفل اقدام به پراکنده نمودن و ضرب و شتم دانشجویان و ربایش چند نفر از دانشجویان کردند. نیروهای بسیج و لباس شخصی دانشجویان را کلاس های طبقه اول واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد منتقل نموده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. نیروهای شبه نظامی به ادواتی همچون باطوم و اسپری فلفل و شوکر الکتریکی مجهز بودند. در پی متشنج شدن فضا و محاصره دانشکده توسط نیروهای امنیتی کلاس های نوبت عصر تعطیل شده است. به گزارش خبرنگار امیرکبیر خیابانهای اطراف دانشگاه مملو از نیروهای گارد ویژه است که از ساعت یک بعد از ظهر استقرار یافته اند. هفته پیش نیز در حدود بیست نفر از دانشجویان این دانشگاه به دفتر حراست و دفتر رئیس دانشگاه احضار شدند. لازم به ذکر است احضار دانشجویان واحد های مختلف دانشگاه آزاد به نهاد های امنیتی داخل و خارج دانشگاهی که از ابتدای سال تحصیلی و همزمان با احضار دانشجویان دانشگاه های دیگر آغاز شده است اخیراً شدت بیشتری گرفته است و همچنان ادامه دارد. همزمان وجود شایعه تعطیل شدن واحد تهران مرکز به مدت دو هفته به دلیل اعتراضات دانشجویی که پیش از این تکذیب شده بود نیز قوت بیشتری گرفته است.

### خانواده های زندانیان سیاسی آخرین وضعیت عزیزان در بند خود را تشریح کردند



جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی به دیدار اعضای کمیسیون حقوق بشر اسلامی و برخی از حقوقدانان و وکلای رفتند تا بار دیگر بر لزوم آزادی زندانیان خود تاکید و آنچه در این مدت بر آنان رفته است را بیان کنند. خانواده های زندانیان از عملکردهای غیرقانونی و فشارهای شدید بر خود و بازداشت شدگان از سوی مراجع امنیتی شکایت داشتند.

**فخرالسادات محتشمی پور، همسر مصطفی تاجزاده** به تغییرات در قوه قضاییه اشاره کرد و گفت: حضور فردی مانند آقای مرتضوی در قوه قضاییه ایران یک ننگ بود. دوره سختی است و اکنون شاهد هیچ اقدام خاصی از سوی دادستانی جدید تهران نبوده ایم. فرق عمده آقای جعفری با دادستان قدیم تهران این است که مرتضوی از ملاقات با خانواده ها و درخواستهای آنان استقبال می کرد اما عجیب است که چرا دادستان جدید نمی پذیرد با خانواده ها ملاقات کند و وکلای را ببیند.

محتشمی پور در ادامه سخنانش درخصوص وضعیت همسرش، مصطفی تاجزاده توضیحاتی داد: همسر من تا چند روز پیش در انفرادی بود اما در آخرین تماسی که با من داشت گفت که با آقای امین زاده در یک سلول هستند. اما دوستان جوان ما که از روز قدس در بازداشت به سر می برند، هنوز در انفرادی هستند.

محتشمی پور ادامه داد: به نظر می رسد که باید دور جدیدی از فعالیت ها را جهت اطلاع رسانی و پیگیری آغاز کرد. دست بازداشت شدگان از همه جا کوتاه است و هنوز امکان ملاقات وکلا با موکلانشان فراهم نشده و عده ای هم وکیل ندارند و امکان گرفتن وکیل از آنان سلب شده است. از سوی دیگر گرفتن وکلای تسخیری برای افرادی که وکیل تعیینی داشتند مساله عجیبی بود. باید برای خلاصی از این وضعیت فکری کرد.

در ادامه **مریم باقی، همسر محمد قوچانی** سردبیر نشریات توقیف شده شرق، هم میهن، شهروند امروز و اعتماد ملی در خصوص آخرین وضعیت همسرش گفت: اکنون بعد از گذشت 4 ماه از زمان بازداشت، آقای قوچانی همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند و هنوز هیچ پاسخ روشنی از سوی دستگاه قضایی به ما داده نشده و قرار بازداشت هم تمدید شده است. از سوی دیگر برای ایشان وثیقه صادر شد اما دادستان سابق تهران مانع آزادی وی شد. باقی در ادامه به اعتراض قوچانی نسبت به قرار بازداشت خود اشاره کرد و توضیح داد: وقتی به قاضی شعبه 28 مراجعه کردیم ایشان اصلاً به پرونده نگاه نکرد و گفت که شما آشوب طلب هستید و قوچانی ایدئولوگ کروی است پس باید در زندان باشد. قاضی که باید بی طرف باشد با پیش داوری عمل می کند و معتقد است که چون با همفکر او نیستیم، قوچانی باید در زندان باقی بماند.

وی از اتمام دور دوم بازجویی های قوچانی خبر داد و افزود: به نظر می رسد که آقایان از قرار بازداشت به عنوان مجازات استفاده می کنند. عدم استقلال قوه قضاییه به وضوح قابل مشاهده است. سوال این است آیا در زمانی که دستگاه قضایی جابگویی ما نیست، می توانیم به مراجع بین المللی شکایت کنیم؟ **فرزند کیوان صمیمی**، روزنامه نگار، عضو شورای صلح و فعال سیاسی نیز در این جلسه از ضرب و شتم پدر خود در بند 209 اوین خبر داد و گفت: در این چند وقت اتفاقات عجیبی برای پدر من رخ داد که اصلاح اجباری سر و صورت، ضرب و شتم، حبس در سرویس بهداشتی گرفته تا درخواست هایی نامعقول مانند کنار گذاشتن فعالیت سیاسی، عدم امکان ملاقات با وکیل، گم شدن پرونده و فشار و تهدید برای نوشتن مطالب دروغ از جمله آنها است. وی ادامه داد: مدت ها است که بازجویی ها تمام شده اما از صدور وثیقه خودداری کرده اند. اگر این بلاتکلیفی و اعمال غیرقانونی ادامه پیدا کند، پدر من اعصاب غذا می کند.

**برادر عبدالله رمضان زاده**، قائم مقام دبیرکل جبهه مشارکت و سخنگوی دولت اصلاحات فرد بعدی بود. وی در خصوص وضعیت برادر خود گفت: روز دوم دستگیری، مرتضوی به دیدار ایشان می رود و وقتی برادر من نسبت به نحوه بازداشت خود و ضرب و شتم از سوی مأمورین اعتراض می کند، به او می گوید: این زخم ها که برای قبل از بازداشت است! طی مدت بازداشت برادر من دچار بیماری هایی شده است که ناراحتی ریه، گوارش و ناراحتی های پوستی از جمله آن ها است.

وی ادامه داد: ایشان دو دوره بازجویی داشتند. یک دوره با فشار سنگین همراه بوده و دوره دوم فشار فوق العاده سنگین بوده، که حتی بنا به گفته برادر من تغذیه ایشان به قدری نامناسب بوده که با فشار اندکی ناخن ایشان می شکست. این در حالی است که هرگاه تلفن می زد می گفت اینجا همه چیز خوب است. اکنون نیز گویا آخرین دفاعیات از ایشان گرفته شده و پرونده برای دادستانی فرستاده شده است.

وی افزود: این پرونده یک پروژه سیاسی است نه یک پرونده حقوقی و اتفاقات سیاسی بیش از حد بر این پرونده تاثیر می گذارد. همچنین برادر من گفت که هیچ کدام از اتهامات مانند «اقدام علیه امنیت ملی و تشویق به تظاهرات غیرقانونی» را نپذیرفته من سوال دارم که چگونه می توان قرار بازداشت را به قرار وثیقه تبدیل کرد؟

**همسر حسین نورانی نژاد** از اعضای جوان جبهه مشارکت نیز در این جلسه، نسبت به بلاتکلیفی پرونده همسرش اعتراض کرد و گفت: حسین دو روز قبل از روز قدس بازداشت شد و ما به هر نهادی مراجعه می کنیم نمی گویند پرونده او در دست کیست؟

پرستو سرمدی ادامه داد: هفته گذشته بازپرس شعبه 2 گفت پرونده همسر من به دادستانی فرستاده شده و دادستان مانع آزادی او است. در حالی که دادستانی می گوید پرونده همسر من به آنجا ارسال نشده است و بازپرس می گوید دادستان دروغ می گوید. در این یکماه همسر من در انفرادی بوده و هر بار که ایشان را می بینیم رنگ پریده تر و ضعیف تر از دفعه قبل است. از نظر روحی نیز شرایط نامناسبی دارد. او گفت بازجویی هایش تمام شده است و برای او قرار وثیقه 100 میلیون تومانی صادر کرده اند اما دادستانی مانع آزادی ایشان است. آیا دادستان می تواند این گونه عمل کند؟

**داماد حمزه کرمی**، مدیرمسئول سایت جمهورییت نیز از وضعیت نامناسب کرمی خبر داد و گفت: در ملاقاتی که با ایشان داشتیم وضعیت وی را بسیار

نامناسب دیدیم. نه تنها فشارها کم نشده بلکه فشارها افزایش یافته است.

وی از تهدیدهای نیروهای امنیتی گلایه کرد و گفت: در تماس هایی که می گیرند مدام نسبت به سلامت همسر و نه خود ابراز نگرانی می کند. متأسفانه بازجویی های بدی برای این تیم گذاشته اند تا علیه آقای هاشمی اعتراف کنند و ما فکر می کنیم دیگر سکوت جایز نیست.

**همسر فیض الله عرب سرخی،** عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در این جلسه گفت: اخباری مبنی بر ضرب و شتم همسر بود تا حدی که ایشان به بیمارستان سپاه منتقل شد. اکنون نیز از انفرادی خارج شده اند و پس از 100 روز اجازه داده اند که چند روز آینده دخترهایش را ببیند. وی در ادامه سوال کرد: الان چه کسی می تواند کاری برای ما انجام دهد؟ تا حداقل صدایمان به گوش بقیه برسد و در مقابل ظلم سکوت نکرده باشیم؟

صالح نیکبخت، وکیل پایه یک دادگستری در مورد وضعیت **پهزاد نبوی،** موکل خود توضیحاتی داد و گفت: دادستان تهران دستور داده است که بازپرس و پزشکان بررسی کنند که آیا با بازگرداندن وی به زندان مشکلی برایش پیشمی آید یا خیر که متأسفانه پاسخ دادند ایشان یا باید در زندان باشد یا در بیمارستان ما. وضعیت آقایان میردامادی و رمضان زاده هم مشخص نیست.

وی افزود: وقتی گفته می شود که برای فردی کیفرخواست صادر شده به این معنا است که تحقیقات پایان یافته پس چرا اجازه نمی دهند وکلا پرونده ها را ببینند یا با موکلان خود دیدار داشته باشند؟ من سه پیشنهاد دارم. اول اینکه وکلا بتوانند با موکلان خود دیدار کنند، دوم اینکه قرار بازداشت به قرار وثیقه تبدیل شود و همچنین پزشکی قانونی پیگیر آسیب دیدگان باشد.

### علی صارمی بیش از 2 سال است که در بلاتکلیفی بسر می برد



بنابه گزارشات رسیده از بند 350 زندان اوین، زندانی سیاسی علی صارمی پس از بیش از 2 سال بلاتکلیفی به دادگاه انقلاب برده شد. زندانیان سیاسی علی صارمی 62 ساله پس از بیش از 2 سال بلاتکلیفی روز یکشنبه 19 مهرماه برای چندمین بار به شعبه 15 دادگاه انقلاب برده شد. فردی بنام صلواتی رئیس این شعبه با نسبت دادن اتهامات متعدد قصد دارد که احکام سنگین و غیر انسانی را علیه او صادر کند.

آقای علی صارمی از شرکت کنندگان در مراسم نوزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی سال 67 که در تاریخ 14 شهریورماه 1386 با یورش مامورین وزارت اطلاعات به فرماندهی فردی بنام رحمتی از بازجویان وزارت اطلاعات دستگیر و به سلولهای انفرادی بند 209 زندان اوین منتقل گردید و بیش از 6 ماه تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار داشت. سپس او را به بند 350 زندان اوین منتقل نمودند. علیرغم اینکه بیش از 25 ماه از زندانی بودن او می گذرد، وزارت اطلاعات از آزادی او و سایر زندانیان سیاسی که در این مراسم شرکت کرده اند خوداری می کند. بازجویان وزارت اطلاعات علیه او و سایر کسانی که در این رابطه دستگیر شده اند پرونده ای ساخته اند و به شعبه 15 دادگاه انقلاب ارسال کرده اند رئیس این شعبه فردی بنام صلواتی است. تا به حال آقای صارمی را چندین بار به شعبه 15 این دادگاه اعزام کرده اند و هر بار به دلیلی دادگاه را به تعویق انداخته اند. زندانی سیاسی علی صارمی در طی 4 بار بازداشت نزدیک به 20 سال است در زندانهای ولی فقیه بسر می برد.

آقای صارمی از ناراحتی شدید چشمانش رنج می برد و با کاهش بینایی مواجه می باشد. و بدون استفاده از عینک قادر به انجام امور روزانه خود نیست و بارها این مسئله را با بهداری زندان در میان گذاشته است ولی تا به حال از درمان ایشان خوداری کرده اند، او همچنین از ناراحتی جسمی دیگری رنج می برد ولی از رسیدگی به ناراحتی او اقدامی صورت نگرفته است.

بازجویان وزارت اطلاعات، صداقت رئیس زندان اوین و بزرگ نیا رئیس بند 350 زندان اوین فشارها و محدودیتها را شدت بخشیده است. ارتباط و تماسها را با خانواده های آنها تا حد زیادی کاهش داده است و از درمان جدی زندانیان زندانیان سیاسی خوداری می کنند. همچنین چندین برابر ظرفیت سلولها زندانی در آن جای داده اند در حالیکه امکانات اولیه را کاهش داده اند.

صلواتی رئیس شعبه 15 دادگاه انقلاب که کارگردان دادگاههای فرمایشی ولی فقیه علیه اعتراض کنندگان اخیر است و از قاضاتی که اعمال سرکوبگرانه ولی فقیه تحت عنوان قاضی به اجرا در می آورد. این فرد در صدور احکام اعدام بخصوص دستگیر شدگان اعتراضات اخیر و حبسهای سنگین برای آنها و فعالین حقوق بشر محمد صدیق کبودوند 10 سال زندان، دستگیر شدگان شرکت در مراسم نوزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 زندانی سیاسی محمد علی منصوری 17 سال زندان و تبعید به زندان گوهردشت، میثاق یزدان نژاد به 14 سال زندان و تبعید به زندان گوهردشت محکوم نمود.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، بلاتکلیفی طولانی مدت زندانیان سیاسی و نسبت دادن اتهامات متعدد برای صدور احکام سنگین را محکوم می کند. و از دبیر کل سازمان ملل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و سایر سازمانهای حقوق بشری مبنی بر پایان دادن به نقض حقوق بشر در ایران، خواستار احاله پرونده حقوق بشر این رژیم که به مثابه جنایت علیه بشریت عمل می کند به شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - 20 مهر 1388 برابر با 13 اکتبر 2008

وضعیت زندانیان سیاسی فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید: کمیساریای عالی حقوق بشر - کمسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا - سازمان عفو بین الملل - سازمان دیدبان حقوق بشر

### محکومیت برهان بقایی و مهران کوشا از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب به ۱۰ سال حبس تعزیری



برهان بقایی و مهران کوشا عضو "دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب" به اتهام اقدام علیه نظام هر کدام به تحمل ۵ سال حبس تعزیری که به مدت ۵ سال به حالت تعلیق درآمده است؛ محکوم شدند.

به نقل از خبرنگار آزادی برابری، برهان بقایی و مهران کوشا در دادگاه انقلاب مشهد و به ریاست قاضی طاووسی در تاریخ ۱۰ شهریورماه و پس از چندین جلسه تعویق دادگاه به احکام فوق الذکر محکوم شده اند. این احکام در حالی صادر شده است که وکیل و نماینده دادستان در جلسه مذکور حاضر نبوده اند.

نکته قابل توجه، برگزاری دادگاه در شعبه ۵ توسط قاضی طاووسی می باشد، چرا که پرونده این دو دانشجو در شعبه ۳ می باشد و تمام احضاریه ها و اخطاریه ها از این شعبه صادر گردیده است.

گفتنی است، این دو دانشجوی آزادی خواه و برابری طلب پس از اجرای مراسم ۱۳ آذر ۸۶ در دانشگاه تهران، چندین بار توسط وزارت اطلاعات تهدید و احضار شده بودند، و در تاریخ ۹ بهمن ۸۶ مهران کوشا به صورت تلفنی از طرف وزارت اطلاعات به دادگاه انقلاب مشهد احضار گردید! لازم به یاد آوری است برهان بقایی و مهران کوشا در تابستان ۸۷ در مشهد توسط وزارت اطلاعات دستگیر و پس از ۱ ماه بازداشت غیرقانونی با قرار وثیقه از بازداشتگاه وزارت اطلاعات آزاد گردیدند

### ادامه بازداشت کبری زاغه دوست و اشکان اسکندری

با گذشت حدود 75 روز از بازداشت کبری زاغه دوست و همسرش اشکان اسکندری، از بازداشت شدگان مراسم چهارم شهدای حوادث پی از انتخابات، آنها همچنان در شرایط بلاتکلیفی در بند 209 زندان اوین نگهداری می شوند.

به نقل از کمیته گزارشگران حقوق بشر، خانواده ی آقای اسکندری می گویند که در این مدت از ملاقات با فرزندشان محروم بوده اند و هیچگونه اطلاعی

از شرایط نگهداریش هم به دست نیآورده‌اند.

بر اساس گزارش‌های رسیده، مادر سالخورده اشکان اسکندری تاکنون چندین بار به دادگاه انقلاب مراجعه کرده، اما مسئولان دادگاه در مورد وضعیت فرزندش پاسخی به وی نداده و اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. ایشان درحالی که به شدت نگران وضعیت فرزند خود است، می‌گوید: "پسرم 2 روز پیش تماس گرفت و گفت که قرار است او را به جایی منتقل کنند. و از من خواست تا برایش دعا کنم." او می‌گوید: "نمی‌دانم پسرم را کجا برده‌اند، نگرانم و با این سن و سال، نمی‌توانم چندان پیگیر کارهای او باشم."

همچنین کبری زاغه دوست روز یکشنبه جهت نگرارش آخرین دفاعیات خود از بند 209 به دادگاه انقلاب منتقل شد. خانواده وی می‌گویند، مسئولان دادگاه انقلاب اعلام کرده‌اند، 10 روز دیگر برای گذاشتن قرار وثیقه به دادگاه مراجعه نمایند.

گفته می‌شود، اشکان اسکندری پس از بازداشت و به محض ورود به بند 209، شعارهایی علیه برخی مسئولان سر داد که موجب ضرب و شتم شدید وی از سوی مأموران و نگهبانان بازداشتگاه شد. وی همچنین از زمان بازداشت تاکنون در سلول انفرادی نگهداری می‌شود و با وجود وضعیت نامناسب روحی و روانی و علی‌رغم اصرار بیش از حد خود و همسرش، از انتقال او به بند عمومی جلوگیری شده است. طبق اخبار رسیده، وی در چندین نوبت به شدت از سوی بازجویان و نگهبانان بند مورد ضرب و شتم قرار گرفته است، به طوری که در اثر شدت جراحات وارده، وی در یک نوبت از بند 209 به بیمارستان طالقانی تهران انتقال یافت و مورد مداوا قرار گرفت.

گفتنی است بازداشت طولانی مدت این زوج درحالی صورت می‌گیرد که در شرایط مشابه و در مورد افراد بازداشت شده در تجمعات، وزارت اطلاعات پس از چند هفته، اقدام به آزادی آنان می‌نمود.



### سرکوب گسترده دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

در پی اعتراضات دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان به نتایج انتخابات و پس از آن سرکوب شدید فعالان دانشجویی، مدیریت این دانشگاه دست به تصفیه حساب گسترده ای زده است.

به نقل از خبرنامه امیرکبیر، حدود 100 نفر از دانشجویان در تابستان گذشته به کمیته انضباطی احضار شده اند که از این میان 30 نفر با حکم یک ترم ممنوعیت از تحصیل روبرو شده و برای 16 دانشجوی دیگر نیز حکم 2 ترم ممنوعیت از تحصیل (تعلیق) درج در سنوات به دلیل ایجاد بلوا و آشوب در دانشگاه، صادر گردیده است.

لازم به ذکر است حکم نهایی این 16 دانشجو در حال بررسی توسط وزارت علوم میباشد لذا احکام نهایی بعد از صدور منتشر خواهد شد.

از سوی دیگر طی یک ماه اخیر تعدادی از دانشجویان این دانشگاه به نهادهای امنیتی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند. در راستای فشارهای شدید بر دانشجویان این دانشگاه، فعالیت نشریات دانشجویی در این دانشگاه نیز به علت فشارهای شدید مدیریت این دانشگاه و عدم صدور مجوز از سوی آنها به حالت تعلیق درآمده است.

گفتنی است موج فشارهای شدید از سوی نیروهای امنیتی و قضائی و یا نهادهای انضباطی و حراست طی دو ماه اخیر بر دانشجویان به گونه ای بوده است که تاکنون بیش از هزار دانشجوی دانشگاه های مختلف احکام کمیته انضباطی و تعلیق از تحصیل دریافت کرده و یا به نهادهای امنیتی احضار شده اند.

### بهنود شجاعی به خاک سپرده شد

بنابه گزارشات رسیده از بهشت زهرا، پیکر بهنود شجاعی با حضور تعداد زیادی از مردم و وکیل وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. مراسم خاک سپاری بهنود شجاعی که از ساعت 10:00 صبح آغاز شده بود تا ساعت 12:30 ادامه داشت. در این مراسم تعداد زیادی از خانواده، بستگان، دوستان و مردم شرکت داشتند. تعداد کسانی که در این مراسم حضور داشتند بش از 200 نفر تخمین زده می‌شد. مراسم با حزن و اندوه فراوان همراه بود. تعداد از فعالین حقوق کودک و حقوق بشر با در دست داشتند دست نوشته های مخالفت خود را با اعدام و بخصوص اعدام کودکان ابراز می‌داشتند. خانواده شجاعی بخصوص پدرش گفت اظهار داشت مرگ بهنود باعث خواهد شد که از خونریزی بیشتر کودکانی که در آستانه اعدام قرار دارند را پیشگیری کند و در این راستا تلاش خواهد کرد که جان کودکان اعدامی را نجات دهد.

اعدام بهنود شجاعی نقش آشکار قوه قضائیه که در پشت خانواده های مقتولین پنهان شده را عیان کرد و این سیاستی است که برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه دنبال می‌شود.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، خواهان لغو حکم اعدام و بخصوص اعدام کودکان در ایران است. و از کمیتر عالی حقوق بشر خواستار اقدامات عملی و فوری برای نجات جان بیش از 100 کودک که در انتظار حکم اعدام بسر می‌برند است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - 21 مهر 1387 برابر با 13 اکتبر 2009

### اعدام یکی دیگر از متهمان نوجوان

#### به دار آویختن بهنود شجاعی سومین اعدام از این نوع در سال 2009 است

(نیویورک، 13 اکتبر 2009)- دیده بان حقوق بشر امروز گزارش داد که ایران روز یکشنبه بهنود شجاعی را علیرغم منع بدون شبهه بین المللی درخصوص اعدام افراد زیر 18 سال و بخشش اولیه خانواده متهم به دار آویخت. شجاعی بیست و یک ساله برای قتل که در سال 2005 و هنگامی که 17 سال داشت مرتکب شده بود اعدام شد.

پدر و مادر قربانی، احسان نصراللهی، در جریان اجرای مجازات در زندان اوین مشارکت داشتند برخلاف موافقت اولیه ای که با بیخشش متهم داشتند.

جواستورک معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای دیده بان حقوق بشر در این زمینه گفت: "اشتیاق مقامات قوه قضائیه ایرانی برای به دار آویختن متهمان نوجوان برخلاف تعهدات بین المللی و مخالفت هایی که در ایران درباره چنین اعمال بی رحمانه ای وجود دارد شوکه کننده است. این اعدام بی رحمی آشکار درخصوص ساده ترین شیون انسانی است."

مقامات ایرانی درحالی مقدمات اعدام شجاعی را فراهم کرده بودند که پیش از این حکم اعدام وی توسط صادق اردشیرلاریجانی رییس جدید قوه قضائیه ایران در تاریخ 19 اگوست معوق شده بود. براساس گفته های محمدمصطفی ابی وکیل شجاعی این برای ششمین بار بود که موکلش برای اجرای اعدام به پای چوبه دار می‌رفت درحالی که در لحظات آخر این مجازات به تعویق می‌افتاد.

شجاعی، احسان نصراللهی را در یک دعوا در سال 2005 و زمانی که 17 سال داشت به قتل رساند. او در دادگاه شهادت داد که نصراللهی قصد داشت به وی با چاقو حمله کند و او به وسیله یک تکه شیشه از خود دفاع کرده است. وکیل شجاعی در دفاع خود در جریان دادگاه گفت که موکلش یک قتل غیر عمد انجام داده و به همین جت خواستار پرداخت دیه به جای اعدام شده بود. دادستان با این نظر مخالفت کرده و شجاعی را متهم کرد که با چندین ضربه قربانی را از پای درآورده است.

ایران عضو کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل است که ماده 37 این کنوانسیون به صورت صریح محکوم کردن به مرگ افرادی که زیر هجده سال مرتکب جرم می‌شوند را ممنوع کرده است.

HUMAN  
RIGHTS  
WATCH

دادگاه همچنین حکم شجاعی را در حالی صادر کرده است که در سال 2004 آیت الله محمودهاشمی شاهرودی احکام اعدام افرادی که زیر 18 سال مرتکب جرم می شوند را ممنوع کرده بود.

وکیل شجاعی آخرین لحظات قبل از اعدام را اینچنین برای دیده بان حقوق بشر توصیف کرد:

"وقتی که جمعیت زیادی بیرون زندان بودند که بسیاری به دست و پای آنها افتادند که اولیای دم از اعدام بهنود بگترند. آنها اعلام کردند که گذشت خواهند کردند. جو خیلی آرام شد. حدود سیصد نفر آنجا بودند. ما داخل رفتیم بعد صورتجلسه اجرای حکم را نوشتند. بهنود را آوردند. او به دست و پای اولیای دم افتاد و خواهش و تمنا کرد. او به مادر مقتول گفت که من مادر ندارم شما برای من مادر کنید و گذشت کنید از اعدام من. بعد مادرش گفت که من باید طناب دار را گردن تو ببینم. ما را داخل یک سالنی بردند و طناب دار را گردنش انداختند. خیلی ها آنجا بودند و از آنها خواهش کردند رضایت بدهند. مادر و پدر مقتول چارپایه را محکم از زیر پای بهنود کشیدند. او دیگر نفس نکشید. خانواده بهنود بیرون زندان منتظر بودند. تا زمانی که مادر احسان چارپایه را از زیر پای بهنود نکشیده بود فکر می کردم می خواهد فقط طناب دار را گردنش بیندازد و این صحنه را ببیند. باورم نمی شد که یک دفعه چارپایه را از زیر پایش خالی کند و اعدام کند.."

دیده بان حقوق بشر گفت که به دارآویختن بهنودشجاعی سومین اعدام نوجوانان در ایران از آغاز سال ۲۰۰۹ است. در اول ماه می، ایران به صورت مخفیانه یکی دیگر از مجرمان نوجوان را برخلاف روند مشکل دار محاکمه و توقف حکم او به دار آویخت. دلارا دارابی بیست و دو ساله، برای به قتل رساندن فردی که گفته می شد در هنگامی که وی هفده سال داشت مرتکب شده اعدام شد.

در 21 ژانویه نیز ایران همچنین یک جوان 21 شهروند افغان را به نام ملاگل حسن در زندان اوین به دلیل جرمی که در زمانی که 17 سال داشت مرتکب شده بود اعدام کرد.

ایران همچنین حداقل ۷ مجرم نوجوان را در سال 2008 اعدام کرد. براساس گفته های وکلای حقوق بشر نزدیک به 130 مجرم نوجوان در خط مرگ هستند. ایران در خط اول کشورهایی درجهان است که مجرمان نوجوان را اعدام می کنند. بعد از ژانویه 2005، تنها چهار کشور عربستان سعودی، سوئد، پاکستان و یمن به اعدام افرادی که در سن زیر 18 سالگی مرتکب جرم شده اند اقدام کرده اند.

### برادران ناصر عبدالحسینی: برادر ما بی گناه است



ناصر عبدالحسینی از بازداشت شدهگان حوادث بعد از انتخابات و معترفان در دادگاه های نمایشی است که روز شنبه حکم اعدام در مورد وی توسط روابط عمومی دادگستری استان تهران اعلام شد.

ناصر عبدالحسینی جوانی است 22 ساله که به گفته ی خانواده ی خود هیچ سابقه و فعالیت سیاسی نداشته است. وی از یک خانواده ی جنوب شهری تهران است که شغل آزاد دارد؛ درباره ی حکم اعدام وی و چهگونه گی این اعدام با دو برادر وی به نام های مجتبی و نادر عبدالحسینی به گفته ی گو نشستم که در ادامه می خوانید.

از مجتبی عبدالحسینی در مورد چهگونه گی صدور این حکم سوال می کنم، وی با تاسف و نگرانی می گوید « به برادر من گفته بودند که بیا و در اعتراف های تلویزیونی شرکت کن تا حکمات را کمتر کنیم. به او گفته بودند اگر قرار است حکم حبس داشته باشی، با این اعتراف های تلویزیونی خیلی زودتر از آن افرادی که اعتراف نمی کنند آزاد خواهی شد. به این طریق برادر مرا به تلویزیون کشیده اند اما جریان برعکس شده و برای او حکم اعدام صادر کرده اند. از ناصر سواستفاده کرده اند، سو استفاده یی که منجر به بازی کردن با زندگی وی شده است.»

از وی سوال می کنم که در این مورد که وی قرار است این چنین اعترافاتی بکند خبر داشته ای یا خیر؟

«ما اصلا از این که قرار است برادرم اعتراف تلویزیونی داشته باشد خبری نداشتیم و فقط وقتی بعد از دو هفته به ملاقاتش رفتیم، متوجه شدیم که به او گفته اند اعتراف کن تا زودتر آزاد شوی.» وی ادامه می دهد «صدایی که به عنوان زهره پخش شده که آن را در تماس تلفنی با برادر من عنوان کرده اند، واقعیت ندارد، این یک صدای ضبط شده است و برادر من هیچگونه ارتباطی با آن شخص ندارد. چنین چیزی به هیچ وجه صحت ندارد. در صدای پخش شده از تلویزیون جمهوری اسلامی، گویا خانم زهره از برادر من می خواهد که آتش سوزی به راه بیندازد و از کوکتل مولوتوف استفاده کند، این در حالی است که برادر من حتا نمی تواند کوکتل مولوتوف را تلفظ کند و در دادگاه هم اشتباه آنرا تلفظ می کند. حالا برادر من چهگونه چنین کارهایی می تواند بکند.» ناصر عبدالحسینی متهم است که در سازمان مجاهدین خلق عضویت داشته است، اما این مساله را هر دو برادر وی رد می کنند.

از آن ها در مورد چهگونه گی بازداشت وی و این که آیا در اعتراض های مدنی بعد از انتخابات حضور داشته است یا خیر سوال می کنم. مجتبی عبدالحسینی پاسخ می دهد: « دستگیری برادر من در تاریخ 5 تیر ماه بود. ناصر با من کار می کرد و در شهرستان ها به کار و بیزینوری لوازم یدکی ماشین مشغول بودیم. او هیچ سابقه ی سیاسی ندارد و حتا تا کنون یک مورد بازداشت هم نداشته. نادر عبدالحسینی نیز می گوید: « زمانی که برادرم را بازداشت می کردند، هیچگونه سندی در رابطه با جرمی که می گفتند مرتکب شده، به ما نشان ندادند و هیچ مدرکی نداشتند، از منزل ما هیچ مدرکی پیدا نکردند. برادر من حتا دیپلم هم ندارد، نه کامپیوتر دارد و نه حتا یک آدرس ایمیل، پس چه طور می توانسته به قول اینها اطلاعات را به خارج از کشور بفرستد؟ برادر من یک بچه ی جنوب شهری است که نه پدر و مادر و نه هیچیک از افراد فامیلش سیاسی نبودند.»

ناصر عبدالحسینی به اتهام شرکت در «اعتشاشات» محاکمه و سرانجام به اعدام محکوم شده است، این در حالی است که وی با توجه به شغلش خارج از تهران بوده است، نادر برادر وی در مورد حضور ناصر در اعتراض های مدنی مردم ایران بعد از 22 خرداد می گوید: «عنوان شده که او در جریان اعتراض های پس از انتخابات حضور داشته، ولی به هیچ عنوان اینگونه نبود، یکی دو هفته قبل از پنج تیر ماه که او را دستگیر کردند، او در شهرستان بوشهر بود و مشغول فروش قطعات یدکی ماشین. نیمه شبی که در منزل ما ریختند و او را بازداشت کردند، او تازه از سفر برگشته بود و حتا از خسته گی لباس های اش را هم از تن اش در نیآورده بود.»

دو برادر ناصر عبدالحسینی نسبت به دادگاه و امکان دفاع و نحوه ی دفاع وکیل تسخیری برادرشان (احمدی) اعتراض دارند؛ مجتبی در این خصوص به خبرنگار هرانا می گوید: «وکیل تسخیری در دادگاه هیچگونه دفاعی از برادر من نکرده است. وکیلش تا کنون فقط دو بار با وی تماس گرفته ولی کار خاصی برای اش انجام نداده است.» و نادر ادامه می دهد: «دفاعی می که وکیل تسخیری برادرم در دادگاه برای وی خوانده بود، متأسفانه هیچ اثری نداشته است. کیفر خواست برادر من به هیچ عنوان با واقعیت جور در نمی آید. برادر من حتا در حوادث پس از انتخابات هیچ شعاری هم نداده بود چون اصلا در تهران نبود تا بخواهد در تجمع ها شرکت کند و در بوشهر هم به دنبال فعالیت اقتصادی خودش بود و آنجا هم هیچگونه تجمعی برپا نشده بود. حتا همین وکیل برادرم نیز فکر می کرد که او را به زودی آزاد می کنند، حتا به من گفته بودند که برای اش سند آماده کنم که متأسفانه هم اکنون حکم اعدام او صادر شده است.»

تا سه هفته ی پیش خانواده ی ناصر عبدالحسینی می توانستند با او ملاقات کنند، بعد از آن ملاقات فقط برای پدر و مادر وی امکان پذیر شده است. وی هم اکنون در بند 8 زندان اوین منتقل شده است. از خانواده ی عبدالحسینی تنها این دو برادر از حکم اعدام ناصر خبر دارند، آن ها هنوز توان این که به پدر و مادر و دیگر برادران و خواهران شان بگویند که چنین اتفاقی افتاده است را ندارند. پدر و مادر آن ها فکر می کنند فرزندشان به زودی به خانه بازمی گردد! نادر عبدالحسینی در پایان به خبرنگار هرانا می گوید: «من از قوه قضاییه، اطلاعات و نهادهای حقوق بشری دعوت می کنم که ببینند و وضع زندگی ما را ببینند و از نزدیک با خانواده ی ما آشنا بشوند. پدر من مدتی را در جبهه های جنگ گذرانده و پنج سال در جماران بوده و الان بازنشسته است و با حقوق

بازنشستگی در حال خرجی دادن به خانواده‌ام است. برادر من یک پسر ساده‌لوح است که هیچ فعالیت سیاسی تاکنون نداشته است. یکی از اتهام‌های برادر من محاربه است و برای‌اش حکم اعدام صادر شده، مگر برادر من قتل و جنایت انجام داده است که باید اعدام شود؟ مثنی او در زندگی هیچ‌گونه آسیبی تاکنون به هیچ‌کس چه به دولت و یا مردم نزده است.»

و مجتبی عبدالحسنی با صدای غمناک می‌گوید: «ناصر در تماس‌های تلفنی به ما می‌گوید خدایی وجود دارد. من که کار خلافی انجام نداده‌ام، مطمئن هستم اتفاق بدی برای‌ام نمی‌افتد و به ما دل‌داری می‌دهد.» مجتبی در آخر نیز با نامیدی می‌گوید: «هیچ کسی از برادر من دفاع نمی‌کند، حتا وکیل که باید به طور مرتب پی‌گیر پرونده باشد هم هیچ کار جدی انجام نمی‌دهد. در حالی‌که برادر من بی‌گناه است. او کاری نکرده است. او را با وعده‌هایی که برای آزادی داده‌اند، و اداری به اعتراف کرده‌اند و برادر ساده‌ی من نیز باور کرده و این کار را کرده است. برادر من بی‌گناه است.»



### نگرانی شدید کمیساریای عالی حقوق بشر از احکام اعدام

کمیساریای عالی حقوق بشر

خانم ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد گفت صدور حکم مجازات اعدام برای جرائمی که منجر به مرگ کسی نشده است مخالف کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

در همین حال کمیته گزارشگران حقوق بشر، به نقل از قاضی پور عباسی، رئیس شعبه 26 دادگاه انقلاب از صدور حکم اعدام برای پنجمین نفر از دستگیر شدگان حوادث اخیر خبر داد. وی که داوود فریچه میر اردبیلی نام دارد متهم به ارتباط با "انجمن پادشاهی ایران" است. این کمیته به نقل از کسانی که این زندانی را در زندان اوین دیده و با او گفتگو کرده اند، گزارش کرده است که وی عضو این انجمن نبوده است و تنها در چند نوبت برای "رادیو تندر" گزارشات تلفنی در باره تجمعات صنفی و کارگری در ایران تهیه کرده بوده است. این رادیو از شهر اربیل عراق برنامه پخش می‌کند.

در چند روز اخیر احکام اعدام پنج تن از کسانی که در اعتراضات اخیر دستگیر شده اند صادر و به آنان ابلاغ شده است. مقامات رسمی صدور احکام اعدام را تنها برای سه نفر تأیید کرده اند. بنا بر اظهارات مقامات قضایی ایران چهار تن از متهمان در فعالیت های مربوط به انجمن پادشاهی ایران شرکت داشته اند. و یک نفر وابسته به سازمان مجاهدین خلق بوده است.

این در حالیست که اظهارات متفاوتی در باره اراده مقامات امنیتی و قضایی ایران به اجرای این احکام در جریان است. دادستان عمومی و انقلاب تهران، عباس جعفری دولت آبادی، گفته است که احکام اعدام قابل اعتراض است و تنها پس از عبور تمام مراحل تجدید نظر خواهی مورد اجرا قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر فرهاد تجری نماینده قصر شیرین در مجلس شورای اسلامی، در پی دیدار با مقامات قضایی از عزم راسخ آن‌ها در تأکید بر مجازات اعدام این افراد خبر داده است.

عبدالفتاح سلطانی، سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر، در راستای دفاع از متهمان مدنی و سیاسی اعلام داشته است که این کانون آماده است وکالت هم، متهمان را به طور رایگان به عهده گیرد و مشاوره های لازم را به خانواده این متهمان بدهد.

### اقتصاد بیمار ایران، زیر تیغ جراحی احمدی نژاد

محمد تهوری / جنبش راه سبز: اقتصاد دولتی و بیمار ایران، که روز به روز اوضاع وخیم تری پیدا می‌کند، در حالی زیر تیغ جراحی محمود احمدی نژاد قرار گرفته، که امید به بهبودی‌اش را از دست داده است. این یک تحلیل عمومی از دید ناظران اقتصادی ایران است. نگرانی ناظران اقتصادی، نه از اشتباه بودن حذف یارانه هاست که بعنوان اولین برش در این عمل جراحی، در حال انجام است، بلکه آنها بر این باورند که وقتی خصوصی سازی که تعریفی روشن و شفاف دارد، در دولت احمدی نژاد به اختصاصی سازی و انتقال سرمایه ها و صنایع از دولت به سپاه منجر می‌شود، باید نسبت به طرح تحول اقتصادی این دولت، که تمام ابعادش روشن نیست، به دیده تردید نگریست.

محمود احمدی نژاد که در آستانه بررسی طرح تحول اقتصادی‌اش در مجلس شورای اسلامی، در سیما حاضر شده بود تا با متخصصان اقتصادی و اجتماعی گفتگو کند، از طرح تحول اقتصادی بعنوان دمیدن روح تحول و تحرک در اقتصاد ایران یاد کرد و اظهار داشت: "عدالت، بهینه سازی تخصیص منابع، جلوگیری از اسراف و اصلاح ساختارها، اهداف اصلی طرح تحول اقتصادی است". او واقعی شدن قیمت ها را توجیه سرمایه گذاری دانست، بی آنکه به انتقادات اقتصاد دانان پاسخ دهد. محمود احمدی نژاد هرگز به این موضوع اشاره نکرد که برای جبران دیگر پارامترهای مشوق سرمایه گذاری از جمله بالا بودن ریسک سرمایه گذاری چه فکری اندیشیده است.

طرح تحول اقتصادی، نام دیگر حذف یارانه ها

طرح تحول اقتصادی، که باید آن را نام دیگر "حذف یارانه ها" دانست، بیش از آنکه در برگزیده موانع رشد اقتصادی در ایران باشد، بر روی حذف یارانه ها تمرکز دارد. طرحی که گراف نیست اگر بگویم قدمت آن بیش از سابقه مدیریتی و اجرایی محمود احمدی نژاد است. طرح حذف یارانه ها از دولت اول هاشمی رفسنجانی و با پایان یافتن جنگ تحمیلی مطرح بود. این طرح تقریباً در تمام دولت ها مطرح بوده است ولی خرد جمعی بر این پایه استوار گشت که حذف سریع و ناگهانی یارانه ها، شوکی به اقتصاد بیمار ایران وارد می‌کند که نمی‌توان آن را کنترل کرد، لذا دولت های آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی، طرح حذف یارانه ها را در برنامه های توسعه ای سوم و چهارم لحاظ کردند تا دولت مکلف شود در یک مقطع زمانی طولانی تر و به تدریج، وابستگی اقتصاد ایران را به درآمد نفت قطع و پرداخت یارانه ها را متوقف سازد. از این رو افزایش ده درصدی قیمت حامل های انرژی در بودجه های سنواتی در دستور کار دولت های قبل قرار گرفت. اما این برنامه با تصویب طرح تثبیت قیمت ها توسط اصولگرایان مجلس هفتم و بی‌علاقگی محمود احمدی نژاد به اجرای آن، متوقف شد تا نزدیک چهار سال بعد آنها این بار طرح دیگری با عنوان طرح تحول اقتصادی به مجلس ارائه و همان اهداف را دنبال کنند.

دولت احمدی نژاد که در طول چهار سال گذشته به گواه کارشناسان اقتصادی که برخی از آنها همچون سعید لیلانز و محسن صفایی فراهانی، اینک در زندان هستند، نسبت به برنامه توسعه کشور و سند چشم انداز بیست ساله کشور بی تفاوت بوده است، می‌کوشد این بی تفاوتی را با اجرای طرحی ضربتی جبران کند. حال این پرسش مطرح است که آیا این بیمار تحمل این شوک را خواهد داشت؟

تبعات چنین شوکی از نگاه مخالفان این لایحه به این شرح است:

#### 1. افزایش ناگهانی نرخ تورم و افزایش تعداد فقرا

بر اساس آنچه در لایحه دولت آمده و امروز به تصویب نمایندگان مجلس نیز رسیده است، دولت مکلف به اصلاح قیمت حامل های انرژی شد. بر این اساس، قیمت فروش داخلی نفت، بنزین و سایر مشتقات نفتی به تدریج و تا پایان برنامه پنجم توسعه نباید کمتر از 90 درصد قیمت تحویل روی کشتی (فوب) در خلیج فارس باشد. با تصویب نمایندگان، قیمت فروش نفت خام به پالایشگاه های داخلی 95 درصد قیمت تحویل روی کشتی خلیج فارس تعیین می‌شود. همچنین قیمت خرید فرآورده های نفتی متناسب با قیمت مذکور تعیین خواهد شد. این واقعی سازی قیمت ها، همچنین شامل قیمت گاز و دیگر فرآورده های نفتی نیز خواهد شد. بنابراین پرواضح است که قیمت تمامی کالاها به علت وابستگی به قیمت نفت و فرآورده های نفتی، به یکباره با افزایش شدید مواجه خواهد شد. این بدیهی ترین تاثیر اجرای این لایحه بر قیمت ها است، که از طرف موافقان لایحه نیز کتمان نمی‌شود.

رئیس کمیسیون ویژه بررسی طرح تحول اقتصادی که از جدی ترین موافقان این لایحه است، در خصوص افزایش قیمت ها به خبرنگاران پارلمانی می‌گوید: برخی نگران این مساله هستند اما گاهی برای کمک به یک بیماری مزمن ناگزیر از یک عمل جراحی مهم هستیم. به گفته غلامرضا مصباحی مقدم اگر

این قانون در مجلس تصویب نشود، تقریباً در سال 1404 همه تولیدات انرژی کشور اعم از نفت و گاز را باید در داخل مصرف کرده و حتی اقدام به واردات کنیم. مصباحی مقدم که از روحانیون اقتصاد دان مجلس به شمار می رود، در تشریح تاثیر مستقیم این لایحه بر تورم، با بیان اینکه این طرح در کوتاه مدت می تواند مشکلاتی ایجاد کند، ولی در بلند مدت منافع زیادی دارد، می گوید: "تورم در کشور ما به دلیل اتکای درآمد به نفت است. با اجرایی شدن لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها اتکای دولت به درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد و دیگر ناگزیر از برداشت از حساب ذخیره ارزی برای واردات بنزین و گازوئیل نخواهیم بود. همچنین تبدیل دلار به ریال که عامل اصلی تورم است، متوقف می‌شود."

سخنگوی کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی نیز با تاکید بر اینکه پس از اجرای لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، افزایش قیمت‌ها طبیعی است، می گوید: "ممکن است در جزئیات این لایحه اشکالاتی وجود داشته باشد". کاظم دلخوش بر این باور است که میزان منابع انرژی در جهان رو به کاهش است و اگر راه فعلی را ادامه دهیم در 10 سال آینده در کشور نفتی برای صادرات وجود نخواهد داشت، بنابراین تاکید می کند که تصویب و اجرایی کردن این لایحه ضروری است.

برخلاف رئیس و سخنگوی کمیسیون طرح تحول اقتصادی که در نهایت افزایش قیمت ها را به نفع کشور می دانند و قائل به مفید بودن این اقدام هستند، علیرضا محبوب نماینده کارگری مجلس شورای اسلامی، تصویب این لایحه را اعلام خطر برای فقرا می داند و می گوید: آثار تورمی این لایحه مشهود است و جای تعجب دارد که کارشناسان اقتصادی در این مورد تسلیم شده‌اند. این لایحه برای دولت و اهداف آن هم تاثیری ندارد و آثار قیمتی آن باید به تصاعد هندسی محاسبه شود.

به گفته نورالله حیدری نماینده اردل و فارس نیز تصویب و اجرای این لایحه با این مفاد پیامدهای ناگواری همچون قیمت حامل‌های انرژی و افزایش هزینه‌های تولید در پی خواهد داشت که هم به تورم می‌افزاید و هم سرمایه‌گذاری‌ها کاهش می‌یابد. او می گوید: "پرداخت نقدی یارانه‌ها به بخشی از جامعه علاوه بر افزایش تورم به وضعیت اقتصادی کشور ضربه می‌زند. با وجود این لایحه، اصل سود دارایی حساب ذخیره ارزی میان مردم تقسیم می‌شود که در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد." حیدری معتقد است: "با تصویب این لایحه دچار یک دور باطل و خطرناک می‌شویم چون قیمت‌ها را افزایش می‌دهیم که رفاه به وجود آوریم اما با افزایش تورم منجر به بروز مشکلاتی جبران‌ناپذیر می‌شویم."

غلامحسین مسعودی نماینده اهر نیز بر این باور است که این لایحه تورم زاست و می گوید: "تورم بالا، جشن اغنیاء و عزای فقر است و تاثیر آن در سلامتی انسان‌ها و کودک و نوجوان نیز تاثیر می‌گذارد که این تورم از آثار تصویب این لایحه است". او دیگر خسران این لایحه را ورشکستگی بانکها می داند و می گوید حتی با افزایش قیمت حامل های انرژی، قدرت رقابت با بازارهای خارجی را نخواهیم داشت.

## 2. کاهش ارزش پول ملی و ورشکستگی کارخانجات

علیرضا محبوب نماینده تهران معتقد است قیمت حامل‌های انرژی براساس ارزشی و پول ملی تنظیم شده است و تا به امروز واحد پول ملی عامل تعیین‌کننده قیمت بوده است اما امروز در این لایحه قیمت براساس فوب خلیج فارس پیش‌بینی شده است که به معنای تغییر واحد پول است. دبیرکل خانه کارگر تاکید دارد که در این صورت به اقتصاد بین‌المللی گره زده می‌شویم، در حالی‌که از مزایای آن هیچ سودی نمی‌بریم، چرا که این لایحه آثار منفی خواهد داشت. او می گوید: بایستی بین عدالت و افزایش قیمت فرق گذاشته شود. کارگران و کارمندان ایرانی براساس ریال حقوق دریافت می‌کنند، نه براساس قیمت نفت خلیج فارس. بنابراین با تصویب این لایحه، واحد پول ملی ضعیف تر می‌شود و اقتصاد بین‌المللی به اقتصاد ملی حاکم می‌شود.

مخالفان این لایحه در برابر موافقان که هدفمند کردن یارانه‌ها و عدالت اجتماعی و توسعه سرمایه‌گذاری را از دستاوردهای این لایحه می دانند، معتقدند این لایحه نه تنها عدالت را توسعه و سرمایه‌گذاری را شکوفا نخواهد کرد، بلکه زمینه ورشکستگی کارخانجات را به علت افزایش قیمت های انرژی، فراهم می کند. آنها بر این باورند که فشار ناشی از اجرای این لایحه بر بخش کشاورزی و تولیدی، خارج از تحمل کشاورزان و فعالان این بخش هاست.

چنین مخالفت هایی مجلس را بر آن داشت تا با طولانی کردن مدت زمان اجرای این لایحه از سه به پنج سال، از شدت شوک وارده به اقتصاد بکاهند. آنها نه تنها اجازه چنین تحولی در سه سال را به دولت ندادند، بلکه دولت را وادار کردند تا این لایحه را ظرف پنج سال و درست در مدت زمان برنامه پنج ساله پنجم اجرا کند، برنامه ای که هنوز به مجلس تقدیم نشده است. با این مصوبه دولت مکلف است برنامه پنج ساله پنجم را با در نظر گرفتن قیمت حامل های انرژی مورد نظر نمایندگان مجلس تنظیم و آن را به مجلس تقدیم کند ولی با این اختلاف نظر موجود میان دولت و مجلس به نظر نمی رسد دولت به این زودی ها لایحه برنامه پنجم را به مجلس تقدیم کند. این اولین سالی است که بودجه سنواتی بدون داشتن قانون برنامه توسعه ای تقدیم مجلس خواهد شد و با این اختلاف نظر موجود میان مجلس و دولت روشن نیست چه بر سر اقتصاد بیمار ایران خواهد آمد. آیا احمدی نژاد به رای و نظر نمایندگان تمکین خواهد کرد یا براساس رویه خود عمل می کند؟

## "همکاری کامل" روسیه با آمریکا و ادامه سیاست گفتگو با ایران

هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا و همتای روسی اش سرگئی لاوروف امروز در مسکو بر توافق خود پیرامون پرونده هسته ای ایران و ادامه گزینه دیپلماسی تاکید کردند.

خانم کلینتون با این حال در یک کنفرانس مطبوعاتی افزود که در صورتی که روش گفتگو به جایی نرسد می توان گزینه تشدید "مجازات ها" را برگزید ولی "هنوز به چنین مرحله ای نرسیده اند". حال آنکه وی چند روز پیش گفته بود که که جامعه بین المللی نمی تواند تا ابد در انتظار پاسخی از سوی ایران باشد.

سرگئی لاوروف نیز به صراحت اعلام کرد که کشورش فعلاً با افزایش مجازات ها بر ایران مخالف است، حتی اگر دیپمتری مدوف، رئیس جمهوری این کشور در ماه سپتامبر گذشته اظهار داشته بود که در برخی اوقات مجازات "اجتناب ناپذیر" می شود. وزیر امور خارجه روسیه اضافه کرد که "در موقعیت فعلی مجازات ها، تهدیدها و فشارها غیر موثر خواهند بود". گرچه در بعضی مواقع اجرای آنها "اجتناب ناپذیر" می شوند ولی هنوز چنین موضوعی در مورد ایران صدق نمی کند.

منصور فرهنگ

درباره طرح مسئله اتمی ایران در دیدار امروز سه شنبه وزرای امور خارجه آمریکا و روسیه و تصمیم های اتخاذ شده در آن با منصور فرهنگ تحلیل گر مسائل سیاسی در آمریکا، گفتگو کردیم. وی دورنمای روابط واشنگتن - مسکو را در آینده، بر تنش دانست و از موضوعات مورد اختلاف میان این دو کشور سخن گفت و از جمله به خواست تهران پیرامون خرید سیستم های ضد موشکی اس 300 و اس 400 از مسکو اشاره کرد که تا کنون معلق مانده است. ایران به خرید چنین تسلیحاتی برای استحکام سیستم دفاعی اش نیاز دارد و روسیه نیز برای گسترش صنعت تسلیحاتی اش خواستار فروش به کشورهای خاورمیانه است. منصور فرهنگ هم چنین از "تغییر لحن تهران" و نرمشی که از زمان اجلاس ژنو در بیان مسئولان ایرانی دیده یا شنیده شده است صحبت کرد. آیا تغییر روش ایران تاکتیکی است یا از ضعف موضع این کشور ناشی می شود؟ آینده آن را نشان خواهد داد!